

[طایفه سوم: روایات شاهد زور 2](#_Toc507599612)

[روایت جرجانی 2](#_Toc507599613)

[روایت جمیل 3](#_Toc507599614)

[قصاص مشارک در قتل مبتنی بر وجود ملاک عمد و تأثیر به نحو مقتضی در قتل 3](#_Toc507599615)

**موضوع**: اشتراک در قتل /قتل عمد/قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/صورت ششم /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد مسأله اشتراک در قتل و صورت دوم آن، یعنی وقوع جنایات در طول یکدیگر ادامه دارد.

بحث در بررسی حکم قصاص در جنایت قتل توسط افراد متعدد بود به جنایاتی که در طول یکدیگر واقع شده است، که بیان شد حتی در بحث جنایت بر طرف هم قابل تطبیق است، در این رابطه قاعده استناد فعل به جزء اخیر علت یا علت اخیر، مقتضی ثبوت قصاص بر جانی اخیر است، اما مشهور قائل به امکان قصاص سایر جنات هم شده اند.

وجوه و طوایفی از روایات برای اثبات قصاص بر مشارک و غیر قاتل، وجود دارد که طوایفی از روایات است که بر اساس آن، اگرچه که قتل فقط منتسب به جانی اخیر می شود، ولی مشارکت و اجتماع بر فعل بدون هیچ استنادی هم بر اساس این روایات، عامل ثبوت قصاص دانسته شده است.

همان طور که گذشت، طایفه دوم از این طوایف روایی، مشتمل بر روایت ابی مریم انصاری است که بر اساس آن در موارد جنایت بر طرف نیز حکم به قصاص مشارک در جنایت قطع می شود، اما مرحوم صاحب جواهر قدس سره تصریح دارد به اینکه در قطع ید، اگر انتساب به نحو اشاعه و در عرض واحد وجود نداشت، به دلیل وجود قاعده، قصاص بر متعدد قابل التزام نیست، و لذا اگر هر یک از دو جانی قسمتی از دست را قطع نموده باشند، به دلیل عدم صدق قاطع به آنها، هیچ کدام قصاص نمی شوند، بلکه به همان مقداری که هر یک از آنها، دست مجنی علیه را قطع نموده اند، دستشان قطع می شود، بر خلاف مرحوم آقای خویی ره که عمدتا بر اساس روایت ابی مریم قائل به قصاص متعدد شده است، روایتی که نسبت به اجتماع و اشتراک بر قطع ید، حکم به امکان قطع ید هر دو جانی نموده است و از طرفی در آن، اماره و ظهوری نسبت به وقوع این جنایات در عرض واحد هم نیست.

فرق بین قتل نفس و قطع عضو در این است که قتل، امری بسیط است که ممکن است دارای سبب مرکبی باشد، اما قطع ید امری بسیط نیست و هر جزئی، حکم خود را دارد ولی در وقوع هر یک از قتل و قطع، بحث سرایت مطرح است و از این حیث همانندی دارند، لذا فرمایش مرحوم صاحب جواهر قدس سره که بین فرض سرایت در قطع و قطع مباشر تفصیل داده است، به این نحو که در قطع سرایتی، قصاص متعدد را قائل شده است، وجهی ندارد.

معروف در کلام بسیاری از بزرگان، این است که در قطع ید متناوب، قصاص قطع ید وجهی ندارد، در حالی که بر اساس این روایت، قصاص مشارک در جنایت (قطع) هم جایز و ممکن دانسته شده است.

طایفه سوم: روایات شاهد زور

در باب شاهد زور روایات متعددی دیده می شود که دلالت دارد بر این که اگر بعد از تحقق قصاصی که مترتب بر شهادت شهود به وقوع پیوسته است، روشن شود شهادت این شهود بر خلاف واقع بوده است، در صورت اثبات تعمد آنها، حکم به قصاص همه این شهود، می شود در حالی که متعارف در تحقق شهادات متعدد، همین حصول تدریجی آنها است، ولی با این حال در این روایات، حکم به قتل همه این شهود شده است، بدون اینکه قتل منتسب به همه این شهود باشد، بلکه طبق قاعده قتل مستند به جزء اخیر علت یا علت متأخر است.

روایت جرجانی

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْمُخْتَارِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُخْتَارِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَلَوِيِّ جَمِيعاً عَنِ الْفَتْحِ بْنِ يَزِيدَ الْجُرْجَانِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع فِي أَرْبَعَةٍ شَهِدُوا عَلَى رَجُلٍ أَنَّهُ زَنَى- فَرُجِمَ ثُمَّ رَجَعُوا- وَ قَالُوا قَدْ وَهَمْنَا يُلْزَمُونَ الدِّيَةَ- وَ إِنْ قَالُوا إِنَّمَا تَعَمَّدْنَا- قَتَلَ أَيَّ الْأَرْبَعَةِ شَاءَ وَلِيُّ الْمَقْتُولِ- وَ رَدَّ الثَّلَاثَةُ ثَلَاثَةَ أَرْبَاعِ الدِّيَةِ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولِ الثَّانِي- وَ يُجْلَدُ الثَّلَاثَةُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً- وَ إِنْ شَاءَ وَلِيُّ الْمَقْتُولِ- أَنْ يَقْتُلَهُمْ رَدَّ ثَلَاثَ دِيَاتٍ عَلَى أَوْلِيَاءِ الشُّهُودِ الْأَرْبَعَةِ- وَ يُجْلَدُونَ ثَمَانِينَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ- ثُمَّ يَقْتُلُهُمُ الْإِمَامُ الْحَدِيثَ.[[1]](#footnote-1)

در میان روایات این باب، علاوه بر ضمان و تقاص جانی و نفسی، در مورد اموال نیز حکم به ضمان شده است و لذا در برخی از این روایات در صورتی که نفرات متعددی در اتلاف مال شخص به طور متناوب شرکت داشته باشند و صدق «من اتلف» و عنوان متلِف، در عامل اخیر منحصر باشد، مشارک در تلف مال غیر هم به نسبت و سهمی که در این عدوان و تلف داشته است؛ ضامن محسوب می شود.

روایت جمیل

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي شَهَادَةِ الزُّورِ إِنْ كَانَ قَائِماً - وَ إِلَّا ضَمِنَ بِقَدْرِ مَا أُتْلِفَ مِنْ مَالِ الرَّجُلِ.[[2]](#footnote-2)

قصاص مشارک در قتل مبتنی بر وجود ملاک عمد و تأثیر به نحو مقتضی در قتل

بر اساس مقتضای این طوایف از روایات، در موارد شرکت افراد متعدد در قتل، در صورت وقوع این جنایات به نحو متناوب هم به مانند موارد وقوع جنایات متعدد در عرض واحد، حکم به امکان قصاص مشارک در قتل می شود.

البته تأثیر و شراکت هر یک از این جنات، می بایست به نحو جزء مقتضی باشد تا موجب قصاص شود، نه اینکه تنها عامل تحققِ جزء علت مثل شرط باشند، منتهی با توجه به مورد نصوص در موارد تناوب، وجود قصد قتل یا به طور کلی ملاک عمد در هر یک از این جنات، برای ترتب قصاص، لازم است، لذا اگر هر یک از این جنات متعدد، احتمال تأثیر جنایت خود در مرگ مجنی علیه را نمی دهد، نمی توان او را محکوم به قصاص نمود.

1. . [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج29، ص129، أبواب قصاص فی النفس، باب64، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/29/129/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج27، ص328، أبواب کتاب الشهادات ، باب11، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/27/328/) [↑](#footnote-ref-2)